

روایت ملک الشعرا از شاه گریزپا

۲۷ خرداد ۱۴۰۰ ساعت ۱۳:۲۵

«محمد رضا پهلوی» طی ۳۷ سال سلطنت دو بار از ایران گریخت؛ یک بار قبل از کودتای ۲۸ مرداد و بار دوم دی ماه ۵۷. ملک الشعرا بهار تجربه‌ای مشابه را درباره پهلوی اول روایت کرده است.

به گفته بهار، رضاشاه در روزهای آخر سلطنتش به طوری از مردم و وقایع کشور دور و از انتقام آنان در هراس بود که در جریان وقایع شهریور ۲۰ کرارا خیال فرار از تهران را داشت و مرحوم فروغی به اصرار و الحاح جلوی او را گرفته و یک مرتبه هم در حالی که سوار اتومبیل و حاضر برای فرار به اصفهان بوده است، فروغی و وزراء با التماس او را از اتومبیل بیرون آوردند و به قول گلشائیان، ماها (وزراء) بالاجماع استدعا کردیم چند دقیقه به عمارت تشریف بیاورند و ضمنا از آقای ولیعهد هم (که در حال فرار بودند) همین استدعا شد.



کم کم شاه حاضر شد به عمارت بیاید و در این ضمن آقای فروغی که دید زمینه حاضر شده است، استدعا کرد اصولاً رفتن را موقوف کنند و اصرار زیادی کرد که رفتن شاه در این موقع به اصفهان مسلماً مایه‌ی اغتشاش می‌گردد. بقدری الحاح کرد که بالاخره شاه متوجه شد که رفتن او ممکن است اثرات بدی داشته باشد و به ضرر خودش تمام شود. قبول کرد.

منبع: یازنگری در تاریخ قاجاریه، ابونصر عضدالقاجار، ۱۳۷۶، ص ۱۰۵

